

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

امید ادیب - کابل
۰۱ سپتمبر ۲۰۱۴

به نام خدا

تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۹

جناب استاد فرهیخته خلیل الله معروفی!

السلام علیکم و رحمة الله؛

ادبیات و پیوند آن با زندگی روزمره مردم یک کشور از بدیهیات اولیه به شمار می رود مخصوصاً آن که این ادبیات با زندگی مردم گره خورده باشد. در این میان اما ادبیات عامیانه از قدر و منزلت خاصی بین عامه مردم کم و بیش برخوردار است. اصولاً برای استحکام و دیرپائی این ادبیات بر دانشمندان دلسوز و آگاه لازم است که به قدر توان کوشا باشند و مردم را با این خرمن جاوید و شیرین بیشتر آشنا سازند. شما استاد عزیز و محترم به نظر بنده یکی از آنهایی هستید که اهمیت این گنج جاوید را به فراست دریافته اید.

جناب استاد عزیز من از کابل امروز – به قول شما کابل جان – برای اولین بار است که به جنابعالی نامه نوشته می کنم. مسئولیتهای امروزه که فرصت کمتری به اختیار هر شخص قرار می دهد؛ تا حدودی عرصه را برای همه ما به خاطر صرف امور انسانی و عاطفی و درد دل کردن با همدیگر تنگتر می کند. اما آن استاد گرامی خیال نکنند که جوانان امروز و کابلیان مدرن و بدتر آن که در دوران به اصطلاح «مؤکراسی» از عواطف انسانی و درد دل کردن و احوالپرسی همدیگر غافل مانده اند! شخص بنده بارها شده که با خود قول داده بودم تا نامه ای برای شما از راه دور به خاطر سپاس و قدردانی از کارهای ادبی شما روان کنم ولی تنبلی و بیکاریهای مداوم این فرصت را از من ربود. اما در این روزها که از مشکلات درسی و دل تنگیهای روزگار کمی فراغت حاصل کردم؛ تصمیم گرفتم که به شخص شما نامه ای روان کنم و در آن از کارهای علمی و سترگ تان تشکری کنم.

در مورد سایت «افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» که مدیریت آن را شما به عهده دارید، شاید گفتن من در آن مورد بیفایده باشد و بیم آن دارم که حق شناسی را کمتر به جا آورم. سایت شما بدون شک در کنار مقالات سیاسی و تاریخی و... که درج آن می شود اما ارزش مقالات ادبی آن بیشتر از آنچیزی است که به زبان آورده شود یا در چند خطی حق مطلب اداء شود. در طول چندین سال که ذهن ساده من با ادبیات در پرس و پال بود هیچ وقت جواب سؤال خود را که «چرا ادبیات عامیانه ما در زبان گفتار و قلم» جایی برای آن نیست در هیچ جا یا کتابی نیافتم. اما حدوداً سه سال پیش با مقالات شما آشنا شدم و جواب سؤالات متعدد خود را در مقالات شما یافتم. تا حدود توان و استعداد از خرمن مقالات شما بهره بردم و درد و رنج همان سؤالات مذکور با خواندن نوشتههای شیرین شما برطرف گشت. اینک سه سال از آن آشنائی دور و ادبی من با شما می گذرد و من در این مدت طبق اخلاق و نزاکت باید از شما تشکری می کردم و حداقل

سطری به آن استاد روان می کردم ولی نشد! امیدوارم که آن وجود مبارک مرا ببخشند که دیرتر به زحمات ادبی ایشان پاسخ گفتم.

در افغانستان تا جایی که من اطلاع دارم همسنگ سایت شما در جمع آوری و اهتمام به ادبیات عامه یا فکلو ریک سایت یا نشریه ای وجود ندارد. به جز **مجله کلید**، **هفته نامه سیمرغ** و **ماهنامه دُر دری** و چند نشریه دیگر کسی به ادبیات عامیانه توجه ندارد. در صفحات فیسبوک و انترنت و دیگر نشرات چاپی رنگ و بوی ادبیات خالص و غنی این وطن به فراموشی سپرده شده است. باید عرض کنم که جای خالی ادبیات عامیانه در نشریات داخل کشور موج می زند. اما قدردانی کردن از اشخاصی که در دیار غربت از اهمیت ادبیات عامیانه غفلت نکردند؛ کاریست تقریباً واجب بر هر فرد! جناب استاد خبر دارند که در داخل افغانستان ادبیات و نوشتن خیلی مهجور است و تقریباً ناپیدا! امروزه اشخاص خیلی باسواد حتی در نوشتن مشکل دارند چه رسد که نسبت به ادبیات خود آگاهی حاصل نمایند. جوانان امروز با تأسف (که من هم یکی از آنانم) امروزه یک گسست «عمیق» با ادبیات و انشای خویش دارند و آن طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ و معارف هم کاملاً بی توجه هستند! امروزه حتی ما مشکل املائی خویش را در سطح رسانه های چاپی و تصویری داریم و در اخبار همه روزه با چشم سر می بینیم. اما دلیل این بیگانگی را من نمی دانم که در چیست؟ اما این قدر خبر دارم که تمام شاگردان مکاتب در نوشتن و درست خواندن مشکل دارند و علت آن، نبود کتب مدون و مطابق نیاز است و به همین منوال نبود استادان باتجربه! در کتب ادبیات دری امروزه غیر از شعر و چند لغت محدود برای حفظ کردن چیزی وجود ندارد. شاگرد در همان صنف اول حیران می ماند که آیا این کتب برگرفته از زبانیست که به آن تکلم می کند یا خیر؟ در این جنجالهای ادبی وزارت معارف کادر مجرب و دلسوز ندارد. در این اواخر اگر سیستم نصاب تعلیمی آتش شده است، باز هم مشکلات پیشین به چشم می خورد و شاگردان در نوشتن و درست خواندن مشکل دارند. متأسفانه شاگرد بعد از خلاصی از مکتب، هنگام ورود به پوهنتون مشکلاتش حل نمی شود بلکه به آن افزوده نیز می شود... جناب استاد از این که نامه ام کمی دراز شد ببخشید اما در آینده وعده می کنم که تا حد توان از این مسایل شما را باخبر سازم...

من به خاطری که کم تجربه هستم؛ در حین نوشتن این نامه دستم می لرزید که چگونه به جناب استاد نامه ای روان کنم و در آن از کارهای ایشان تشکر مختصری داشتم باشم. چون آگاهی داشتم که جناب استاد در این رشته وارد هستند طبعاً این ترس و وارخطائی بنده کاملاً بجاست. جناب استاد باز هم از زحمات بی شائبه شما در این راه اظهار سپاس می کنم و از خداوند مسألت دارم که آن وجود مبارک در سایه عاقبت کامل به کارهای ادبی و عملی خویش ادامه دهند.

با حق شناسی و سپاس فراوان

امید ادیب - کابل